

وظیفه‌گرایی اخلاقی؛ دیدگاهی مقابل غایت‌گرایی

وظیفه‌گرایی دیدگاهی است در مقابل غایت‌گرایی، که دو اصل مورد قبول غایت‌گرایی یا یکی از آن دو یعنی استقلال معنای خوب از درست و تعریف درست به بیشینه‌سازی خوب را رد می‌کند. کلمه باید (و البته ضد آن نباید) در مهم‌ترین کاربردهای...



سیری در مکاتب اخلاقی غرب/

وظیفه‌گرایی اخلاقی؛ دیدگاهی مقابل غایت‌گرایی

خبرگزاری مهر- وظیفه‌گرایی دیدگاهی است در مقابل غایت‌گرایی، که دو اصل مورد قبول غایت‌گرایی یا یکی از آن دو یعنی استقلال معنای خوب از درست و تعریف درست به بیشینه‌سازی خوب را رد می‌کند. کلمه باید (و البته ضد آن نباید) در مهم‌ترین کاربردهای واژه‌هاست که حاکی از ارزش یک عمل در نظامی اخلاقی یا دینی است.

مهم‌ترین سؤال در این حوزه این است که معیار این باید‌ها و نباید‌ها چیست و چرا انسان‌ها خود را به این تکالیف ملزم می‌دانند؟ پاسخی که به این پرسش داده می‌شود مبنای وجود چنین تکالیفی را پایه می‌گذارد و دایره و نوع این تکالیف را توسعه یا تضییق می‌کند.

از مهم‌ترین پاسخ‌هایی که به این مسأله داده شده، پاسخی است که ایمانوئل کانت فیلسوف آلمانی برای توجیه تکالیف اخلاقی ارائه کرده است. این مبنا بعدها در فلسفه اخلاق تبدیل به یک مکتب شده و پیروانی پیدا کرد که خود را وظیفه‌گرا (Deontological Ethics) می‌نامیدند.

این نوع نگاه به اخلاق را اگر چه می‌توان در فلسفه پیش از کانت پی‌جویی نمود، اما عامل اصلی ترویج و شهرت آن خود کانت بوده است.

باید توجه داشت که وظیفه‌گرایی یکی از نظریات عمده در اخلاق هنجاری است که به دلیل تکرر نظرات وظیفه‌گرا تعریف واحدی از آن وجود ندارد.

معمولاً این نظریه در مقابل با غایت‌گرایی تعریف می‌شود یعنی نظریه‌ای است که ایجاد بهترین نتایج را ملاک درستی و وظیفه نمی‌داند. بر خلاف تصور مشهور، هدف قرار ندادن ایجاد بیشترین خوبی، ملاک وظیفه‌گرایی نیست.

برخی معیارهای دیگر برای وظیفه‌گرایی ذکر شده است که به نظر ما اصالت ندارند. از جمله این که وظیفه‌گرایی متعهد به اصل عدالت، نظریه‌ای غیربهنینه‌ساز، قاعده‌محور، مطلق‌گرا و امر محور است و واکنشی احترام‌آمیز به ارزش‌ها و اشخاص دارد.

وظیفه‌گرایی دیدگاهی است در مقابل غایت‌گرایی، که دو اصل مورد قبول غایت‌گرایی یا یکی از آن دو یعنی استقلال معنای خوب از درست و تعریف درست به بیشینه‌سازی خوب را رد می‌کند.

بنابراین وظیفه‌گرایی به نظرانی گفته می‌شود که درستی اعمال برای آنها مقدم بر خوبی بوده و مستقل از آن است و درست صرفاً چیزی که خوب را بیشینه‌سازی کند نیست.

ملاک درستی اعمال در نظریه‌های مختلف وظیفه‌گرایی چیزی از قبیل اصول عقلی مانند اصل تعمیم‌پذیری، ذات اعمال، امر الهی، قرارداد اجتماعی، اراده و انتخاب فردی یا حقوق است.

نظریات وظیفه‌گرا به دو بخش 171#& و 171#&؛ کثرت‌گرا و تقسیم می‌شود. نظریه کانت که بر امر مطلق مبتنی است نمونه‌ای از نظریات وحدت‌گراست. معیار واحد کانت این است: 171#&؛ تنها بر طبق آن اصلی عمل کن که به وسیله آن بتوانی در عین حال اراده کنی که این اصل، قانون کلی و عمومی شود. 171#&؛

اما از جنبه دیگر بسته به نقشی که به قواعد کلی می‌دهند انواع مختلفی دارند. نظریات وظیفه‌گروانه عمل‌نگر معتقدند که همه احکام اساسی درباره الزام کاملاً جزئی‌اند. این زاویه تحلیل، در شکل افراطی‌اش چنین می‌گوید که ما هر در موقعیت جزئی به طور جداگانه و بدون توسل به هیچ قاعده‌ای و نیز بدون در نظر گرفتن این‌که چه چیزی بیشترین غلبه خیر بر شر را برای خود انسان یا جهان فراهم می‌کند، باید ببینیم یا به نحوی تصمیم بگیریم که چه چیزی درست است یا باید انجام شود.

